

میهمانان تازی گوی فرهنگستان ایران

کارشناس ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات/ دانشجوی کارشناسی ارشد واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی | سید محمد حسین میرفخرائی

| ۱۵۷ - ۱۶۸ |

۱۵۷

آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

چکیده: در نخستین فرهنگستان ایران (تأسیس ۱۳۱۴) افزون بر افرادی با ملیت‌های چکی، دانمارکی، فرانسوی و...، چهار فرد عرب نیز به عنوان عضو وابسته حضور داشته‌اند: محمد توفیق رفعت پاشا، علی جرم بیک، منصور بیک فهمی و محمد حسین هیکل پاشا. نوشتار حاضر با هدف معرفی این چهار عضو به نگارش درآمده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگستان ایران، عضو وابسته، محمد توفیق رفعت پاشا، علی جرم بیک، منصور بیک فهمی، محمد حسین هیکل پاشا.

The Arabic-Speaking Guests of the Academy of Iran

Seyed Mohammad Hossein Mirfakhraei

Abstract: In the first Iranian Academy (established in 1935), in addition to individuals from Czech, Danish, French, and other nationalities, four Arab individuals were also present as affiliated members: Mohammad Tawfiq Rafat Pasha, Ali Jaram Bek, Mansour Bek Fahmi, and Mohammad Hossein Hekal Pasha. This article is written with the aim of introducing these four members.

Keywords: Iranian Academy, affiliated member, Mohammad Tawfiq Rafat Pasha, Ali Jaram Bek, Mansour Bek Fahmi, Mohammad Hossein Hekal Pasha.

اشاره

درباره پیوند زبان و ادبیات فارسی با زبان و ادبیات عربی، از گذشته تا امروز بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند. باین همه به نظر می‌رسد که در این باره همچنان بتوان پرسش‌هایی تازه پیش کشید و زوایا و خبایای این پیوند طولانی را از نو کاوید. عضویت وابسته چهار شخصیت علمی و فرهنگی عرب در نخستین فرهنگستان ایران شاید یکی از رخدادهای برجسته در روابط فارسی-عربی دوران معاصر باشد. درباره چند و چون تعاملات این افراد با فرهنگستان ایران متأسفانه آگاهی چندانی در دست نیست. باین همه شاید بتوان با معرفی این شخصیت‌ها، بر بخش کوچکی از این رخداد تاریخی پرتو افکند. این نوشتار با چنین قصدی به نگارش درآمده و از سه بخش تشکیل شده است: مقدمه، معرفی نامه‌ها و جمع‌بندی.^۱

مقدمه

نخستین فرهنگستان ایران در اردیبهشت سال ۱۳۱۴ خورشیدی به فرمان پهلوی اول، رضاشاه، تأسیس شد و با وجود برخی فرازونشیب‌ها، تقریباً به مدت شش سال به کار خود ادامه داد (گل گلاب و کیا، ۲۵۳۵: ۸ و ۱۳). یکی از ویژگی‌های این فرهنگستان عضویت وابسته چهار شخصیت علمی عرب در آن است. این رخداد به ویژه از آن رو اهمیت دارد که هیچ‌گاه در فرهنگستان‌های بعدی تکرار نشده است، نه در فرهنگستان دوم (موسوم به «فرهنگستان زبان ایران»)، تأسیس در سال ۱۳۴۷ به فرمان پهلوی دوم) و نه در فرهنگستان سوم (موسوم به «فرهنگستان زبان و ادب فارسی»)، تأسیس در سال ۱۳۶۸، با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی) (گروه واژه‌گزینی، ۹۸: ۱۰۵ و ۱۱۰). این چهار شخصیت که همگی ملیتی مصری داشته‌اند، به ترتیب سال تولد، از این قرارند: محمد توفیق رفعت پاشا، علی جارم بیک، منصور بیک فهمی، و محمد حسین هیکل پاشا (بدره‌ای، ۲۵۳۵: ۸۵).^۲

۱. سپاسگزار استاد نازنینم، جناب آقای دکتر رضا عطاریانم که نه تنها موضوع این نوشتار را پیشنهاد فرمودند، بلکه با گشاده‌دستی همیشگی‌شان، امهات منابع را به بنده معرفی کردند و تعدادی از آن‌ها را خود برایم فراهم آوردند.
۲. در مقاله «سابقه فرهنگستان در ایران» به قلم دانشمند فقید، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، نام محمد حسین هیکل به اشتباه محمد حسنین هیکل درج شده است (سمیعی، ۱۳۷۴). محمد حسنین هیکل (۱۹۲۳-۲۰۱۶) از روزنامه‌نگاران سرشناس مصری بود. نیز با اینکه استاد سمیعی از عضو مصری دیگری به نام هادی حسن نام

متأسفانه نه در منابع فارسی و نه در منابع عربی، گزارشی درخور ذکر از تعامل‌های علمی و فرهنگی این شخصیت‌ها با فرهنگستان ایران دستیاب نشد. با این‌همه، به نظر می‌رسد صرف آشنایی با این شخصیت‌ها و به‌دست آوردن شناختی هرچند اجمالی از رویکردهای زبانی آنان بتواند در حد خود مفید و راهگشا باشد.

معرفی‌نامه‌ها^۱

۱. محمد توفیق رفعت پاشا (۱۸۶۶-۱۹۴۴)

استاد محمد توفیق رفعت پاشا در سال ۱۸۶۶ در قاهره به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی اَلْسُن (زبان‌ها)^۲ به پایان برد و پس از آن در سمت مترجم به استخدام وزارت معارف^۳ درآمد. مدتی بعد برای تحصیل در رشته حقوق رهسپار فرانسه شد و سه سال در این کشور تحصیل کرد. پس از آن به مصر برگشت و از سال ۱۹۰۳ در جایگاه قاضی خدمت کرد (فهمی، ۲۰۱۳: ۲۰۱-۲۰۲). سپس مناصب دیگری را در وزارت دادگستری وقت عهده‌دار شد تا اینکه در سال ۱۹۱۹ به وزارت معارف رسید. در دولت‌های بعدی نیز در جایگاه‌هایی چون وزیر ترابری، وزیر خارجه و وزیر اوقاف اشتغال داشت. در سال ۱۹۳۲ و در اولین دوره فرهنگستان مصر، به عضویت آن درآمد و نخستین رئیس آن فرهنگستان شد. او تا زمان وفات، عهده‌دار این مسئولیت بود. وی همچنین در گروه علوم فلسفی و اجتماعی فرهنگستان مصر عضویت داشت.



۱۶۰

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

برده‌اند، برای نگارنده دستیابی به سرگذشت چنین فردی در منابع فارسی و عربی (از جمله وبگاه فرهنگستان مصر به نشانی arabicacademy.gov.eg) میسر نشد.

۱. عمده مطالب این بخش که بدنه یادداشت حاضر را تشکیل می‌دهد، برگردانی است از معرفی‌نامه‌های مندرج در کتاب *الْمَجْمَعُونَ فِي خَمْسَةِ وَسَبْعِينَ عَامًا (عَلَام، ۲۰۰۷)*. در باقی موارد به منابع اشاره شده است. پی‌نوشت‌ها از نگارنده نوشتار حاضر است.

۲. مدرسه‌ای که در سال ۱۸۳۵ میلادی، محمد علی پاشا آن را به پیشنهاد نواندیش مصری، رفاعة طهطاوی در قاهره تأسیس کرد و در آن در کنار زبان عربی و حساب و جغرافیا و تاریخ، زبان‌های ترکی و فرانسوی نیز تدریس می‌شد (السنیال، ۲۰۱۹: ۳۴).

۳. معادل وزارت آموزش و پرورش کنونی.

توفیق رفعت در سال ۱۹۱۶ موفق به دریافت نشان درجه سوم نیل^۱ از دولت مصر شد.



۲. علی جارم بیگ (۱۸۸۱-۱۹۴۹)

استاد علی جارم در سال ۱۸۸۱ در رشید^۲ به دنیا آمد. تحصیلات خود را در ازهر و سپس دارالعلوم^۳ پشت سر گذاشت و در سال ۱۹۰۸ دانش آموخته شد. پس از آن از طرف دولت به انگلستان اعزام شد و با اقامت در شهر ناتینگهام، به مدت یک سال سرگرم فراگیری زبان انگلیسی شد. سپس به دانشگاه اکستر^۴ راه یافت و به مدت سه سال در دوره‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، منطق، و ادبیات انگلیسی آن دانشگاه شرکت کرد و موفق شد در هریک از این شاخه‌ها گواهی‌نامه‌ای

دریافت کند. در آگوست سال ۱۹۱۲ به مصر برگشت و در مدرسه بازرگانی به تدریس پرداخت. یک سال بعد نیز برای تدریس علوم تربیتی به دارالعلوم ملحق شد.

در مه ۱۹۱۷ بازرس وزارت معارف شد و سپس به سمت بازرس ارشد زبان عربی ارتقا یافت و تا سال ۱۹۴۰ در همین نقش خدمت کرد. او به‌هنگام تأسیس فرهنگستان مصر از اعضای بنیان‌گذار بود. استاد علی جارم در بسیاری از گروه‌های فرهنگستان مصر عضویت داشت، از جمله گروه علوم اجتماعی و فلسفی، گروه ادبی، گروه گویش‌ها و نشر متون، گروه قواعد^۵، گروه شیمی، گروه معجم الفاظ قرآن، و گروه المعجم الوسیط.

۱. نشان نیل بالاترین نشان افتخار در مصر است.

۲. شهری در شمال مصر.

۳. قدیمی‌ترین دانشگاه مصر پس از ازهر که امروزه با عنوان دانشکده دارالعلوم (کُلَّیَّةُ دَارِ الْعُلُومِ)، جزئی از دانشگاه قاهره است.

۴. از دانشگاه‌های بسیار معتبر بریتانیا، واقع در جنوب غربی این کشور.

۵. کمیته قواعد یا لَجَنَةُ الْأَصُولِ ظاهراً عهده‌دار بررسی قواعد دستوری رایج در زبان بوده است.

در نشست هفتم فرهنگستان مصر، او پیشنهاد کرد که گروهی از متخصصان زبان عربی شکل بگیرد که وظیفهٔ اعضایش جست‌وجو در کتاب‌های کهن عربی باشد تا از این رهگذر، اصطلاحات علمی قدیمی استخراج شود و پس از دسته‌بندی، در اختیار گروه‌های مختص به خود قرار گیرد. از دیگر اقدامات فرهنگستانی او نیز می‌توان به ارائهٔ طرحی با موضوع تسهیل کتابت عربی اشاره کرد که در نهمین نشست فرهنگستان مصر مطرح شد. در عین حال او از مخالفان پیشنهاد عبدالعزیز فهمی^۱ مبنی بر به‌کارگیری الفبای لاتینی به جای الفبای عربی بود.

شماری از آثار او از این قرارند:

۱. دیوانُ الجارم^۲؛
۲. فارسُ بنی حَمدان^۳؛
۳. شاعرٌ مَلِك^۴؛
۴. هاتِفٌ مِنَ الْأَنْدَلُس^۵؛
۵. الشَّاعِرُ الظَّمُوح^۶.

شماری دیگر از آثار جارم نیز حاصل همکاری او با دیگر نویسندگان بوده است. برخی از این آثار از این قرارند:

۱. الْمَجْمَلُ فِي تَارِيخِ الْأَدَبِ الْعَرَبِيِّ^۷؛

۱. قاضی، وکیل و شاعر مصری که مدتی عهده‌دار وزارت دادگستری این کشور نیز بود. او در کتابی با عنوان الْخُرُوفُ الْأَلْتَيْنِيَّةُ لِكِتَابَةِ الْعَرَبِيَّةِ دیدگاه خود دربارهٔ تبدیل خط عربی به لاتینی را شرح داده است (فهمی: ۲۰۱۸).
۲. دیوانی است در چهار جلد که شاعر در آن دربارهٔ موضوعات گوناگونی شعر سروده است؛ از جمله در قصیده‌ای با عنوان «الْمَجْمَعُ الْأَلْعَوِي» (فرهنگستان زبان) دربارهٔ فرهنگستان مصر آورده است: مَجْمَعُ الْأَفْصَحِي تَجَلَّى مُشْرِقًا / فِي سَمَاءِ الْمَجْدِ مُجْتازًا سُهَاهَا (فرهنگستان با زبان عربی فصیح، در آسمان مجد و بزرگی نمایان و تابان شد و از ستارهٔ سُهَا درگذشت).
۳. داستان زندگی شاعر سرشناس عرب، ابوفراس حمدانی که یکی از فرمانروایان حکومت حمدانیان نیز بود.
۴. داستان زندگی معتمد بن عبّاد، از بزرگ‌ترین فرمانروایان اندلس در عصر اسلامی که به نیکویی شعر می‌سرود.
۵. داستان زندگی ابن زیدون (ابوالولید احمد بن عبدالله) از شاعران نامی اندلس در عصر اسلامی.
۶. داستان زندگی شاعر شهیر عرب، ابوالطیب متنبی.
۷. چنان‌که از نام کتاب پیداست، گزارشی است اجمالی از تاریخ ادبیات عربی. جارم در کنار ادبای سرشناسی چون طاها حسین و احمد امین این اثر را به سامان رسانده است.

۲. الْمَفْضَلُ فِي تَارِيخِ الْأَدَبِ الْعَرَبِيِّ؛^۱
۳. التَّنْحُوُّ الْوَاضِحُ؛^۲
۴. الْبَلَاغَةُ الْوَاضِحَةُ.^۳

تعدادی از مقالات و پژوهش‌هایی که استاد علی جارم ارائه کرده یا در مجله فرهنگستان به چاپ رسانده است به قرار زیرند:

۱. «التَّرَادُفُ» (مَجَلَّةُ الْمَجْمَعِ، ج ۴؛ ۱)؛
۲. «مُصْطَلِحَاتُ الشُّوْنِ الْعَامَّةِ؛ شَرْحُهَا وَجَمْعُ شَوَاهِدِهَا» (مَجَلَّةُ الْمَجْمَعِ، ج ۳)؛
۳. «الْمَصَادِرُ الَّتِي لَا أفعالَ لَهَا» (مَجَلَّةُ الْمَجْمَعِ، ج ۴)؛
۴. «الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ؛ أَسَاسُ التَّعْبِيرِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ» (مَجَلَّةُ الْمَجْمَعِ، ج ۷).



تلاش‌های علی جارم در جهان عرب نادیده نماند. در سال ۱۹۱۹ حکومت مصر به او نشان نیل را اهدا کرد. در سال ۱۹۳۶ موفق به دریافت نشان رافدین^۵ (دجله و فرات) از حکومت عراق شد و در سال ۱۹۴۷ نیز حکومت لبنان نشان آرز (درخت سدر) را با درجه کوماندور به او اهدا کرد.

۳. منصور بیگ فهمی (۱۸۸۶-۱۹۵۹)

منصور فهمی در سال ۱۸۸۶ در دَقَهْلِيَه^۶ به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان برد و پس از آن به یکی از دبیرستان‌های فرانسوی

۱. این اثر نیز محصول همکاری جارم با ادیبانی چون احمد امین و احمد ضیف است.
۲. کتابی درسی برای دانش‌آموزان مدارس در شش جلد (بعدها در دو مجلد) که جارم آن را با همکاری مصطفی امین نگاشته است.
۳. کتابی درباره معانی، بیان و بدیع عربی که جارم آن را در دو جلد و با همکاری مصطفی امین برای دانش‌آموزان دبیرستانی تألیف کرده است.
۴. مجله رسمی فرهنگستان مصر.
۵. بالاترین نشان افتخار در دوره پادشاهی عراق.
۶. استانی واقع در شمال شرق مصر.

در قاهره وارد شد. سپس به مدرسه حقوق پیوست، اما دیری نپایید که دانشگاه مصر اعلام کرد قصد دارد تعدادی از دانشجویان مستعد را برای تحصیل در رشته فلسفه راهی دانشگاه پاریس کند. منصور در آزمون گزینش این بورسیه تحصیلی شرکت کرد و موفق به کسب آن شد. به این ترتیب در سال ۱۹۰۸ مدرسه حقوق را ترک کرد و راهی فرانسه شد و به مدت پنج سال در رشته فلسفه تحصیل کرد. در کنار این رشته، در جغرافیا و فیزیولوژی نیز مطالعاتی در پیش گرفت. در این دوره او در شمار شاگردان لوسین لوی برول،^۱ فیلسوف و انسان‌شناس فرانسوی، جای داشت. او تحصیلات خود در پاریس را تا رسیدن به درجه دکتری دنبال کرد.

پس از بازگشت به مصر، عهده‌دار تدریس تاریخ مکاتب فلسفی شد، اما شش ماه بعد، از این کار کناره گرفت و چند سالی را به خلوت گذراند. در سال ۱۹۲۰ به مجامع دانشگاهی بازگشت و طی سال‌های طولانی تدریس، به مرتبه استادی دست یافت. او همچنین مدتی ریاست دانشکده علوم انسانی دانشگاه مصر را به عهده داشت. سپس به ریاست کتابخانه ملی مصر رسید و در این دوران امکان دسترسی اهل علم به نسخ خطی مصر را فراهم آورد. مدتی بعد، در سمت ریاست دانشگاه اسکندریه خدمت کرد تا اینکه در سال ۱۹۴۶ بازنشست شد.

فهمی در طول مدت خدمت خود، در روزنامه‌ها، به ویژه روزنامه اهرام، نیز می‌نوشت و در بعضی فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌کرد؛ برای مثال، هم در جمعیت هلال احمر مصر عضویت داشت و هم در جمعیت جوانان مسلمان.^۲

با صدور نخستین فرمان مبنی بر شکل‌گیری فرهنگستان مصر به عضویت این مجمع درآمد و تا زمان وفات، نقش منشی این فرهنگستان (جایگاهی معادل دبیر کنونی) را ایفا کرد. او علاوه بر فرهنگستان ایران، عضو مکاتبه‌ای فرهنگستان‌های دمشق و عراق نیز بود و در تعدادی از نشست‌های این فرهنگستان‌ها حضور می‌یافت. نام‌گذاری المعجم الوسیط

1. Lucien Lévy-Bruhl

۲. جَمْعِيَّةُ الشُّبَّانِ الْمُسْلِمِينَ. این جمعیت که در سال ۱۹۲۸ در قاهره پایه‌گذاری شده بود امروزه با عنوان «هیئت جهانی جوانان در اسکندریه» (هَيْئَةُ الشُّبَّانِ الْعَالَمِيَّةِ بِالْإِسْكَانْدَرِيَّةِ) همچنان دایر است و در زمینه‌های فرهنگی، ورزشی و... فعالیت‌هایی برای جوانان ترتیب می‌دهد (برگرفته از وبگاه جمعیت به‌نشانی globallyouthalexandria.com).

به پیشنهاد او صورت گرفت و جز این، کمیته‌ای برای قاعده‌مندسازی ضبط اعلام لاتین با الفبای عربی تشکیل داد. از او تعدادی مقالات ارزشمند لغوی باقی مانده است.

۴. محمد حسین هیکل پاشا (۱۸۸۸-۱۹۵۶)



محمد حسین هیکل در روستای کَفَر غَنام در دَقْهَلِیّه دیده به جهان گشود. در مکتب‌خانه روستا به حفظ قرآن کریم نائل آمد. سپس او را به قاهره فرستادند تا تحصیلات مدرسه‌ای خود را در آن شهر پی بگیرد. او در سال ۱۹۰۵ از دبیرستان خدیویه فارغ‌التحصیل شد و سپس به مدرسه حقوق پیوست. چهار سال بعد، از این مدرسه نیز فارغ‌التحصیل شد و این بار برای ادامه تحصیل، دانشگاه سوربون فرانسه را برگزید. در سال ۱۹۱۲ پس از اخذ مدرک دکتری حقوق بی‌درنگ به مصر برگشت و دفتر وکالت خود را گشود. در این دوران،

یادداشت‌های او در بسیاری از مجلات و روزنامه‌های مصری چاپ می‌شد، تا اینکه در سال ۱۹۲۲ حزب الاحرار الدستوریین تأسیس شد و هیکل با پیوستن به این حزب، ریاست ارگان رسمی آن، یعنی روزنامه السیاسه را عهده‌دار شد. به این ترتیب حرفه وکالت را یکسره کنار گذاشت و تا سال ۱۹۲۶ که السیاسه به هفته‌نامه تبدیل شد، در همان سمت ماند. او بعدها به ریاست حزب رسید و سپس چند مرتبه به عنوان وزیر معارف و وزیر امور اجتماعی برگزیده شد. مدتی نیز در جایگاه ریاست مجلس سنای مصر قرار گرفت. او همچنین در سال ۱۹۴۶ در نقش رئیس هیئت مصری به مجمع عمومی سازمان ملل متحد رفت و در آنجا درباره مسائل مربوط به کشور خود و نیز مشکلات فلسطین، موضع‌گیری‌های درخور توجهی کرد.

هیکل در سال ۱۹۴۰ به عضویت فرهنگستان مصر درآمد و در هفتمین دوره مجمع، پیشنهاد کرد که فرهنگی برای الفاظ قرآن کریم تدارک دیده شود. با پیشنهاد او موافقت شد و کمیته‌ای

به منظور تدوین شیوه‌نامه‌ای برای این کار شکل گرفت که او خود یکی از اعضای آن بود.^۱ او همچنین در گروه ادبیات و نیز گروه حقوق و اقتصاد عضویت داشت.

شماری از آثار او از این قرارند:

۱. زینب؛^۲
۲. حیاة مُحَمَّد؛^۳
۳. نُورَةُ الْأَدَب؛^۴
۴. قِصَصُ مِصْرِيَّة؛^۵
۵. شَرَقٌ وَعَرَبٌ.^۶

جمع‌بندی

چنان‌که در ابتدای نوشتار حاضر آمد، متأسفانه اطلاع چندانی از چندوچون رابطه شخصیت‌های معرفی شده با فرهنگستان ایران در دست نیست. برای مثال، در شماره نود و پنجم از مجله مشهور اعلام العرب که تمام ۲۷۳ صفحه آن به سرگذشت استاد علی جارم اختصاص یافته، کوچک‌ترین اشاره‌ای به موضوع عضویت این استاد در فرهنگستان ایران نشده است! با این حال، دست کم می‌توان گفت هر چهار نفر از افراد سرشناس و از خبرگان مورداستناد در فرهنگستان مصر بوده‌اند و این خود، نکته حائز اهمیتی است. حال پرسشی که پیش می‌آید این است: با وجود پیوند دیرینه دو زبان فارسی و عربی، چرا این تجربه فرهنگی در دوره نخست از فرهنگستان ایران محدود مانده و در دوره‌های دوم و سوم تکرار و حتی بهینه نشده است؟ فرهنگستان‌های عربی از گذشته تا امروز با وجود برخی افت‌وخیزها به کار خود ادامه داده‌اند و فعالیت‌های

۱. این فرهنگ امروزه با عنوان مُعْجَمُ الْأَفْظِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ در دسترس است.
۲. بیشتر ناقدان ادبیات داستانی عربی این کتاب را نخستین رمان عربی می‌دانند.
۳. از مهم‌ترین کتاب‌های سیره در عصر جدید که در آن هیکل در قامت یک تاریخ‌دان برجسته ظاهر شده است.
۴. کتابی درباره تاریخ ادبیات عربی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، و نقش مکاتب مختلف فکری و ادبی در خروج ادبیات عربی از رکود.
۵. مجموعه‌ای از یازده داستان کوتاه که هیکل کوشیده است در آن، حال و روز مصر آن دوران را بازنمایی کند.
۶. سفرنامه سه‌بخشی او که در آن می‌توان یادداشت‌های سفرش به فرانسه، آلمان، اسپانیا، انگلستان، ایالات متحده و شماری دیگر از کشورها را یافت.

گوناگون زبانی و ادبی در آن‌ها در جریان است.^۱ به نظر می‌رسد جا دارد فرهنگستان زبان و ادب فارسی در کنار فعالیت‌های بایسته و شایسته‌ای که تاکنون به پیش برده، تقویت ارتباطات خود با این فرهنگستان‌ها را نیز در دستور کار قرار دهد.

۱. هم‌اکنون بیش از ده کشور دارای فرهنگستان زبان عربی هستند.

منابع فارسی

- بدره‌ای، فریدون (۲۵۳۵ شاهنشاهی)، گزارشی درباره فرهنگستان ایران، تهران: فرهنگستان زبان ایران.
سمیعی، احمد (۱۳۷۴)، سابقه فرهنگستان در ایران، نامه فرهنگستان، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۳-۱۴۳.
- گروه واژه‌گزینی (۱۳۹۸)، اصول و ضوابط واژه‌گزینی، تهران: نشر آثار (فرهنگستان زبان و ادب فارسی).
گل‌گلاب، حسین، و صادق کیا (۲۵۳۵ شاهنشاهی)، فرهنگستان ایران و فرهنگستان زبان ایران، تهران: بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان‌های ایران.

منابع عربی

- الشَّيْطَال، جَمَالُ الدِّين (۲۰۱۹)، رِفَاعَةُ الظَّهْطَاوِيِّ؛ زَعِيمُ النَّهْضَةِ الْفِكْرِيَّةِ فِي عَصْرِ مُحَمَّدِ عَلِي، قَاهِرَةَ: هِنْدَاوِيِّ.
- فَهْمِي، زَكِي (۲۰۱۳)، صَفْوَةُ الْعَصْرِ فِي تَارِيخِ وَرُسُومِ مَشَاهِيرِ رِجَالِ مِصْر، قَاهِرَةَ: هِنْدَاوِيِّ.
- فَهْمِي، عَبْدُ الْعَزِيزِ (۲۰۱۸)، الْحُرُوفُ اللَّاتِينِيَّةُ لِكِتَابَةِ الْعَرَبِيَّةِ، قَاهِرَةَ: هِنْدَاوِيِّ.
- عَلَام، مَهْدِي (۲۰۰۷)، الْمَجْمَعِيُّونَ فِي خَمْسَةِ وَسَبْعِينَ عَامًا، قَاهِرَةَ: مَجْمَعُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.